

فرهنگ ترافیک، با آموزش امروز کودکان

کودکان جزو آسیب پذیرترین عابران پیاده هستند. کودکان در تشخیص سرعت و فاصله وسایل نقلیه با آن‌ها و همچنین تشخیص صدا دقت لازم را ندارند و دچار اشتباه می‌شوند. بچه‌ها به سبب شرایط سنی شان بسیار بازیگوش هستند و انرژی زیادی برای تخلیه دارند و این سبب می‌شود که با خطرهای بیشتری رو به رو شوند اما از طرف دیگر، کودکان ذهن بسیار پویایی دارند، زود یاد می‌گیرند و توانایی فراگیریشان بالاست. در کودکی اگر چیزی را خوب یاد بگیریم به ندرت فراموش می‌کنیم. بنابراین آموزش‌های ترافیک باید از همان دوران کودکی چه به شکل رسمی در مهد کودک و مدرسه و چه غیر رسمی در خانه آغاز شود. کودکان دانش اندکی درباره مفاهیم مربوط به ترافیک دارند. مفهوم «خیابان» گاهی برای آنها سواره‌رو است و گاهی پیاده‌رو. کودکان، هنوز مفهوم چپ و راست را به درستی تشخیص نمی‌دهند و فرآیند کسب آگاهی نیز در آنها اغلب با کاستی‌هایی روبه‌رو است. آنها گاهی گمان می‌کنند دویدن روش مناسب عبور از عرض خیابان است. آگاهی دادن تدریجی و اینکه به آنها آموزش داده شود چه کاری را چه موقعی انجام دهند، در مورد کودکان زیر ۷ سال به مراتب مهم‌تر از آموزش رسمی قوانین است؛ چرا که کودکان در این سن کمتر می‌توانند با این نوع آموزش رسمی ارتباط برقرار کنند. والدین می‌توانند در این رده سنی، برخی از امکانات عبور عابر پیاده، مانند خط‌کشی عابر پیاده که در آن، عابر بهتر توسط راننده دیده می‌شود و مسیرهای ایمنی را که برای رفتن به مدرسه مشخص شده‌اند به صورت تدریجی به کودکان نشان داده و کاربرد آنها را آموزش دهند.

در بزرگسالان، پردازش اطلاعات از لحاظ کمی و کیفی با کودکان متفاوت است. تفاوت کیفی به دلیل آن است که کودکان اغلب، دانش اندکی درباره علایم رانندگی، قوانین و فرآیندهای مناسب دارند. از لحاظ کمی نیز این تفاوت‌ها وجود دارند. به دلیل دسترسی اندک کودکان به اطلاعات لازم برای انجام یک کار، ظرفیت کمتر حافظه‌شان و همچنین طولانی بودن زمان واکنش آنها، بین کودکان و بزرگسالان تفاوت‌هایی از لحاظ کمی در پردازش اطلاعات وجود دارد. برای نوجوانان نیز همین شرایط هنگامی که از دوچرخه یا موتورگازی استفاده می‌کنند، صدق می‌کند و آنها هنگامی که در شرایط پیچیده و ناشناخته قرار می‌گیرند در پردازش اطلاعات به لحاظ کمی با بزرگسالان متفاوت هستند.

کودکان ۴ ساله می‌توانند روی یکی از جنبه‌های کار متمرکز شوند اما هر چه سن‌شان بالاتر می‌رود، امکان تمرکز هم‌زمان روی چند قسمت از کار برای آنها بیشتر می‌شود. مهم‌ترین مانع در مسیر رسیدن به یک رفتار ایمن به طور قطع عدم دقت و توجه خردسالان است. بالا رفتن سن، تاثیری در از بین بردن بی‌دقتی در کودکان ندارد. اما کودکان ۱۰ ساله، نسبت به کودکان ۴ ساله، کمتر و دیرتر تمرکز خود را روی یک موضوع از دست می‌دهند. مقاومت در برابر بی‌دقتی تا ۱۵ سالگی با بالاتر رفتن سن، افزایش می‌یابد. پسران کم‌دقت‌تر از دختران هستند. هرچه انجام دادن کاری برای یک فرد آسان‌تر می‌شود، دقت و توجه او در مورد آن کار افزایش می‌یابد. انجام دادن کارها را می‌توان از طریق تعلیم مهارت‌های مربوط به آن یا مهندسی رفتارها برای افراد آسان‌تر کرد. اگر انگیزه‌های دیگری به غیر از عبور از عرض خیابان برای کودک وجود داشته باشد، آن انگیزه‌ها می‌توانند از عوامل تاثیرگذار در شکل‌گیری تصادف‌ها به حساب آیند. وقتی هنگام انجام یک فعالیت در حیطة ترافیک مثل عبور از خیابان حواس کودک به مساله دیگری معطوف شود، حواس او به جای اینکه بر فعالیت اصلی (عبور از خیابان) متمرکز شود، به امور دیگر متمایل خواهد شد. این در حالی است که فعالیت اصلی (عبور از خیابان) همچنان ادامه می‌یابد. عامل بی‌توجهی و بی‌دقتی یا همان حواس‌پرتی نسبت به عوامل دیگرمانند پایه‌های ضعیف ادراک و تصمیم‌گیری بسیار مهم‌تر است و بیش از سایر عوامل سبب غیرایمن شدن رفتارها می‌شود.

تصمیم‌گیری برای گذر از میان جریان خودروهایی که در خیابان حرکت می‌کنند و تشخیص فاصله‌هایی که گاهی در زنجیره آنها ایجاد می‌شود، برای کودکان زیر ۸ سال همواره امری دشوار است. تخمین زدن اینکه چه موقع یک خودروی در حال حرکت به نزدیکی شما می‌رسد بیش از آنکه به توانایی تشخیص سرعت مربوط باشد، به توانایی تشخیص فاصله مربوط است. البته در شرایطی که خودرویی به‌طور غیرعادی تند حرکت کند، این تخمین زدن می‌تواند خطرناک هم باشد. کودکان کم‌سن و سال‌تر معمولاً منتظر فواصل خالی

طولانی تر میان جریان خودروهای در حال حرکت می‌شوند اما بزرگ‌ترها از فواصل ایجادشده کوچک‌تر هم استفاده می‌کنند و از عرض خیابان گذر می‌کنند. در واقع به نظر می‌رسد این مساله به میزان مهارت‌های افراد در این کار بستگی دارد.

کودکان به عنوان یکی از استفاده‌کنندگان راه، هنگامی که در محیط ترافیک واقع می‌شوند توسط چند عامل محدود می‌گردند:

-آموزش ترافیک اندک و تجربه کم از مسائل ترافیک

-عامل کوتاهی قد، که موجب می‌شود بعضی اوقات دیده نشوند، به ویژه در شرایطی که راننده اتومبیل در حال دنده عقب رفتن است.

-کودکان به سهولت نمی‌توانند دریابند که چه چیزهایی برای تأمین ایمنی آنها مهم است، آنها یاد نگرفته‌اند هنگام عبور از خیابان به هر دو طرف نگاه کنند و نمی‌دانند و واکنش آنها هنگام مواجهه با خطر باید چگونه باشد.

- درک خطراتی که به طور ناگهانی در محیط ترافیک بروز می‌کند برای آنها دشوار است، به بیان دیگر اگر کودکان بتوانند شرایط را هنگام عبور از خیابان اظهار نمایند، اما یک تغییر ناگهانی باعث حواس پرتی و دستپاچگی آنها می‌شود.

